

مجالس افتخار آفرین
در عزای عترت طاهرین
سوکنامہ امام حسین و یارانش

مؤلف:

سید عبدالحسین شرف الدین موسوی

مقدمہ و برخی تعلیقات:

سید نور الدین میلانی

ترجمہ و تدوین:

سید ابراہیم سید علوی



شرکت چاپ و نشر بین الملل

سرشناسه

عنوان قراردادی

عنوان و پدیدآورنده

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

یادداشت

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابخانه ملی

: شرف الدین ، عبدالحسین، ۱۸۷۳-۱۹۵۸.

: المجلس الافتخار في ماتم المثره الطاهره و بضمنه المقدمه الزاهره لكتاب المجالس
الفاخره. فارسي.

: مجالس افتخار آفرین در عزای عترت طاهرين / مولف
عبدالحسین شریف الدین موسوی، مقدمه و برخی تعلیقات نورالدین میلانی، ترجمه و
تدوین ابراهیم سید علوی.

: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

: ۳۱۶ ص .

: ۱- ۲۳- ۳۰۴- ۹۶۴- ۹۷۸

: چاپ قبلی: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل (۱۳۸۲) (۲۲۵) ص.
: نمایه .

: سوکنامه امام حسین (ع) و یارانش

: حسین بن علی (ع) امام سوم ، ۴- ۶۱ ق.، سوگواری ها

: میلانی نورالدین مقدمه نویسی.

: سید علوی ، سید ابراهیم ، ۱۳۱۸- مترجم .

: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

: ۱۳۸۵ ۲۵۴۳۰۴۱ ش / BP۲۶۰

: ۲۹۷/۷۴

: ۸۵- ۲۳۹۳۶ م



مجالس افتخار آفرین

در عزای عترت طاهرين

مولف

سید عبدالحسین شرف الدین موسوی

ترجمه و تدوین

سید ابراهیم سید علوی

ناشر

شرکت چاپ و نشر بین الملل

نوبت چاپ..... اول- بهار ۱۳۸۶

صحافی..... چاپخانه سپهر

شمارگان..... ۳۰۰۰ نسخه

قیمت..... ۲۳۰۰۰ ریال

شابک ۱- ۲۳۰- ۳۰۴- ۹۶۴- ۹۷۸

حق چاپ محفوظ است .

E. mail: intlpub @ intlpub

WWW. Intlpub.ir

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
.....سخنی از مترجم	۷
.....مقدمه مترجم بر چاپ سوم	۱۵
.....مقدمه؛ به قلم نورالدین میلانی	۲۱
.....شرح حال مؤلف، به قلم آل یاسین	۲۹
.....دوران ولادت و رشد او	۳۱
.....در جبل عامل	۳۳
.....بلاغت سید	۳۳
.....خدمات سید	۳۴
.....در مصر	۳۶
.....زندگانی علمی	۳۶
.....آثار و تألیفات موجود	۳۷

آثار و تألیفات گمشته	۴۱
اخلاق و موهبت های سید	۴۳
سفرهای او	۴۴
تأسیسات و آثار	۴۶
مقدمه مؤلف	۴۹

بخش اول: کلیات

فصل یکم: جواز گریستن بر مردگان	۵۳
فصل دوم: جواز مرثیه خوانی	۶۱
فصل سوم: ذکر مناقب و مصائب مردگان	۶۷
فصل چهارم: تشکیل مجالس عزاداری و جواز آن	۷۱
فصل پنجم: رجحان اتفاق و احسان	۷۵
فصل ششم: عزاداری برای امام حسین	۷۷
فصل هفتم: حجیت کلام و رفتار پیامبر و امامان	۹۳
فصل هشتم: گریه آسمان و زمین بر حسین	۱۰۱
فصل نهم: فلسفه و اسرار عزاداری حسین	۱۰۷
فصل دهم: سخنان خاورشناس فرانسوی	۱۱۷
فصل یازدهم: اسرار شهادت و کلام ماریین آلمانی	۱۲۵
فصل دوازدهم: آگاهی امام حسین از سرنوشت خود	۱۳۷
۱. حدیث ام سلمه	۱۳۸

۲. پاسخ او به عمر بن علی ۱۳۸
۳. تودیع رسول الله ۱۳۹
۴. نامه به بنی هاشم ۱۳۹
۵. خروج از مکه ۱۳۹
۶. یک پیشگویی ۱۴۰
۷. با محمد حنفیه ۱۴۰
۸. بار دیگر با محمد حنفیه ۱۴۰
۹. با پسران عباس و زبیر ۱۴۱
۱۰. با پسران جعفر و سعید ۱۴۱
۱۱. با پسر زبیر ۱۴۱
۱۲. سخنی دیگر از امام ۱۴۲
۱۳. با ابو هرّه ۱۴۲
۱۴. رویایی در قصر بنی مقاتل ۱۴۲
۱۵. در شهادت قیس ۱۴۳
۱۶. بار دیگر با ابن عباس ۱۴۴
۱۷. بار سوم با ابن عباس ۱۴۵
۱۸. با پسر عبدالرحمان مخزومی ۱۴۵
۱۹. باز با عبدالله بن جعفر ۱۴۶
۲۰. بار سوم با عبدالله بن جعفر ۱۴۶
۲۱. با عبدالله بن مطیع ۱۴۷

۲۲. با بنی عکرمه ۱۴۷
۲۳. با بنی تمیم ۱۴۸
۲۴. با پسر غالب ۱۴۸
۲۵. یاد یحیی بن زکریا ۱۴۸
۲۶. با مردان اسدی ۱۴۹
۲۷. در منزل زبالة ۱۴۹
۲۸. قضیه طرمّاح ۱۵۰

بخش دوم: مجالس حسینی

- مجلس یکم ۱۵۷
- مجلس دوم ۱۶۳
- مجلس سوم ۱۶۷
- مجلس چهارم ۱۷۱
- مجلس پنجم ۱۷۷
- مجلس ششم ۱۸۲
- مجلس هفتم ۱۸۳
- مجلس نهم ۱۸۸
- مجلس دهم ۱۹۱
- مجلس یازدهم ۱۹۵
- مجلس دوازدهم ۲۰۰

بخش سوم: سیره پیامبر و برخی خصایص مقدّس او

۲۱۳	مجلس یکم
۲۱۹	مجلس دوم
۲۲۲	مجلس سوم
۲۲۷	مجلس چهارم
۲۳۲	مجلس پنجم
۲۳۷	مجلس ششم
۲۴۰	مجلس هفتم
۲۴۴	مجلس هشتم
۲۴۸	مجلس نهم
۲۵۲	مجلس دهم
۲۵۷	مجلس یازدهم
۲۶۲	مجلس دوازدهم

بخش چهارم: سیره امیرمؤمنان و برخی از پند و راهنمایی‌های او

۲۶۹	مجلس یکم
۲۷۴	مجلس دوم
۲۷۶	مجلس سوم
۲۸۱	مجلس چهارم
۲۸۵	مجلس پنجم

۲۸۹		مجلس ششم
۲۹۲		مجلس هفتم
۲۹۵		مجلس هشتم
۲۹۸		مجلس نهم
۳۰۱		مجلس دهم
۳۰۵		فهرست اعلام

سخنی از مترجم

تشکیل مجالس تعزیه برای ذکر مصائب عترت پاک پیامبر ﷺ و به خصوص عزاداری برای سبط رسول الله، یعنی سیدالشهدا حسین بن علی (علیه السلام)، به راستی مایه عزت، شرف و سرمایه فضیلت و افتخار است.

چرا که شهادت امام حسین، فرزندان، اقربا و یاران باوفای آن حضرت با ویژگی های مسطوری که در تاریخ آمده، اسلام را پس از آنکه توسط بنی امیه، به ویژه معاویه و یزید - نفرین بر ایشان باد - مشوه و زشت و نموده بود، آبرو بخشید و از این طریق آفتاب اسلام که می رفت با خصومت ورزی اولاد عبد شمس و عقده گشایی های بی رحمانه آل امیه و مروان، زیر ابرهای تیره جاهلیت پنهان شود، دوباره درخشید. شهادت امام حسین و یادآوری مصیبت او و خاندانش، بقای آیین حنیف اسلام را تضمین کرد.

فلسفه تشکیل مستمر مجالس عزای حسینی و ذکر فضایل انسانی و مصائب جانکاه ایشان، با موضوع بقای اسلام ارتباط مستقیم دارد. زیرا

فراموشی یاد آنان و ترک ذکر مصائب و مناقب ایشان پیش از قیام قائم آل محمد (عج) و ظهور منتقم حقیقی، با توجه به نقشه‌های شوم دشمنان قسم خورده داخلی و خارجی اسلام، اسلام اصیل و محمدی را به بوتۀ فراموشی خواهد سپرد.

به همین سبب و به علت اهمیت موضوع، چنان‌که در این کتاب به طور مکرر می‌خوانید، این رخداد تلخ و بسیار عظیم تاریخی، از روزگار نخست خلقت آدم علیه السلام تا زمان وقوع حادثه، به طرق مختلف بر زبان آورده شده و مطرح گردیده است و پس از آنکه واقعه اتفاق افتاده، امامانی که از نسل سیدالشهدا علیه السلام بوده‌اند و نیز همه پیروان صادق آنان، در اقامۀ مراسم ماتم و تشکیل عزاء، به ویژه در عاشورای حسینی، اهتمام ورزیده‌اند، تا مبدا با فراموشی آن رویدادهای جانگداز، هدف دشمن عملی شود.^۱

مورخان مشهوری همچون طبری، ابن اثیر و دیگر تاریخ‌نگاران و ارباب «مقاتل» نیز این واقعه تکان‌دهنده را گزارش کرده و گاهی به ذکر جزئیات آن پرداخته‌اند. در جامعه شیعیان، فقها و مجتهدان بزرگی که علاوه بر مقام افتا، منبر وعظ و ارشاد را نیز در اختیار داشتند، یاد مصائب اهل بیت را زنده نگاه می‌داشتند و مجالس خود را با ذکر فضایل و مناقب و یاد حوادث غمبار خاندان رسول صلی الله علیه و آله، هرچه بیشتر رونق و حرارت می‌بخشیدند. از صاحبان قلم نیز هرکس به نوبۀ خود و به فراخور

۱ مثلاً در این کلام ابن عبدالبر دقت کنید: «و خرج يوم الترويه برید الکوفه فکان سبب هلاکة» [امام حسین] روز ترویه به قصد کوفه بیرون آمد و همین سبب هلاک او شد گر اینکه اگر امام از مکه بیرون نمی‌آمد، به قتل نمی‌رسید این کار به نوعی کاستن از اهمیت مسئله است البته این کار در کلمات برخی دانشمندان اهل سنت، به وضوح منعکس است رک، عبدالبراندلسی الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۸۲

استعدادش، دست به نگارش کتاب، رساله و یا مقاله می‌زده و در این زمینه هم، قلمفرسایی کرده‌اند.

از جمله مرحوم سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی قدمی پیش نهاد و کتاب «المجالس الفاخرة فی ماتم العنرة الطاهرة» را تألیف کرد. او در این کتاب نفیس، صدای ناموزون غرب‌زدگان خودباخته‌ای را که عزاداری را توحش و دور از مدنیّت قلمداد کرده‌اند، خفه کرد و با طرح وقایع مستند تاریخی از منابع اهل سنت، پرده‌ها را کنار زد و حتی از برخی از خاورشناسان محقق که در این مقوله، منصفانه سخن گفته و قلم زده‌اند بهره‌جسته و مطالبی را آورده است. این نکته نیز گفتنی است که نام این کتاب خاطره‌انگیز است. تسمیه سال ۱۳۸۱ هجری شمسی به سال عزت و افتخار حسینی با نام کتاب تناسب و شباهت آشکاری دارد. معنای عنوان کتاب چنین است: مجلس‌های ارزشمند و افتخارآفرین در عزاداری عترت طاهرین. این نامگذاری حدود ۱۰۰ سال پیش صورت پذیرفته است و امسال (۱۳۸۱ ه.ش.)، سال عزت و افتخار حسینی نام گرفته است. حال چه کلمه «فاخرة» از ریشه فخر باشد که برآستی عزاداری برای عترت و بخصوص پنجمین اهل کسا و تشکیل مجالس به قصد ذکر مناقب و مصائب خاندان رسول ﷺ مایه عزت و افتخار است و یاد ایام تلخ و شیرین آل مصطفی سرمایه شرف و بالندگی است. و چه از کلمه «فاخر» که در اصطلاح، به معنای هر چیز نفیس و ارزشمند است، فرقی نمی‌کند. ناگفته معلوم است که ارزش و بهای هر چیزی به آثار و میزان سودمندی آن بستگی دارد و تشکیل مجالس عزاداری سالار شهیدان و دیگر شهدای اهل بیت عصمت و طهارت و فدایی‌های ایشان و ذکر مظلومیت اولاد

زهرا علیها السلام، دارای آثار و فواید ارزشمند فراوانی است و چنان که در صفحات این کتاب می‌خوانید، محققان، حتی غیر مسلمانان و خاورشناسان، در بیان فواید و آثار سازنده اقامه عزای حسینی، سنگ تمام گذاشته و آن را علت بقای اسلام و عامل مصونیت آن از تحریف بدخواهان دانسته‌اند.

برای آگاهی بیشتر از این کتاب و مؤلف بزرگوار آن، بهتر است از زبان و قلم کتابشناس بزرگ معاصر، شیخ آقابزرگ تهرانی بشنویم. او می‌نویسد: *المجالس الفاخرة فی ماتم العترة الطاهرة تألیف سید عبدالحسین بن یوسف بن جواد بن اسماعیل بن محمد بن سیدابراهیم، ملقب به شرف‌الدین موسوی است. مادر او علویّه، خواهر ابومحمد حسن صدر بوده که همیشه از وی به عنوان دایی یاد می‌کرد.*

این کتاب، نخست در شهر صیدا در مطبعة عرفان به سال ۱۳۳۲ ه. ق. چاپ شد و مؤلف در مقدمه کتاب، درباره فضیلت گریه بر امام حسین و اسرار شهادت و به‌طور کلی فلسفه آن، مطالبی آورده است. از این کتاب جز همین مقدمه، چاپ نشده و مجالس که در چهار جلد به ترتیب زیر بوده از میان رفته است:

جلد یکم: سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

جلد دوم: احوال امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا و امام حسن علیهما السلام

جلد سوم: احوال امام حسین علیه السلام

جلد چهارم: احوال سایر امامان شیعه

این چهار جلد در فتنه سال ۱۳۲۹ ه. ق. به هنگام غارت کتابخانه ایشان مفقود گشته و یا از بین رفته است.^۱

۱. تهرانی، شیخ آقابزرگ: الذریعة إلى تصانیف الشیعه، ج ۱۹، ص ۳۶۳، بیروت - لبنان

مترجم، نسخه‌ای از کتاب مجالس فاخره را که در کربلا توسط کتابخانه عمومی آستان قدس حسینی با اهتمام حضرت نورالدین میلانی چاپ و منتشر شده در اختیار داشت و از روی آن و با حفظ ویژگی‌های نسخه، اقدام به ترجمه و نگارش آن کرد و کاستی‌ها را در حد توان، جبران و تغییراتی را که ضروری می‌نمود، انجام داد. پس از اتمام ترجمه و آماده‌سازی آن برای چاپ، به طبع دیگری از کتاب که به شکلی زیباتر و گسترده‌تر، با تحقیق و بازنگری آقای محمود بدری توسط مؤسسه معارف اسلامی چاپ و منتشر شده است، دست یافتم.

فصول این نسخه با نسخه‌ها احیاناً متفاوت و در کم و کیف و حتی اشعار رثایی مختلف است و به نظر می‌آید که نسخه‌ای دیگر در اختیار محقق کتاب بوده است. مؤید این نظر چیزی است که در پایان «مقدمه زاهرة» و در شروع به مجالس فاخره آمده است. در آنجا چنین می‌خوانیم: علی بن اسماعیل فرزند جواد پسر اسماعیل، پسر محمد، فرزند محمد بن ابراهیم ملقب به شرف‌الدین موسوی عاملی - خدا از گناهانش درگذرد و عیوبش را پوشیده دارد - می‌گوید: سرور و مولای ما آیت‌الله امام سیدعبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی - خدا در جاتش را عالی گرداند - در سال ۱۳۳۰ ه.ق. کتابی به نام مجالس فاخره در عزای عترت طاهره تألیف کرد و آن را طی یک مقدمه و چهار جزء سامان داد و در سال ۱۳۳۲ ه.ق. شروع به چاپ آن کرد و هنوز چاپ مقدمه به پایان نرسیده بود که آتش جنگ جهانی اول (در سال ۱۹۱۷ م) شعله‌ور شد و او را از تکمیل چاپ بازداشت و در سال ۱۳۳۸ ه.ق. همانند اجداد طاهرینش در راه دین خدا گرفتاری‌هایی پیدا کرد، تبعید شد، خانه‌اش غارت گردید و

در برابر چشم خدا کتاب هایش را پاره کردند و در نتیجه، ما امروز از آن اثر گرانسنگ محروم مانده ایم. او پس از توضیح مختصر محتویات مجالس اجزای چهارگانه کتاب، چنین می نویسد: سید در هر مجلسی از آن مجالس و در پایان سخن، به ذکر مصائب اهل بیت می پرداخت و جلالت مقام و میزان صبر و شکیبایی آنان را یادآوری می کرد. متأسفانه از این کتاب جز همین مقدمه که رساله ای مستقل و در حد خود بی نظیر است، چیز دیگر باقی نمانده است.

از قضا از دهان برخی ذاکران و قاریان مصائب که از آن مرحوم حفظ کرده بودند، قسمت هایی ضبط شده بود، اما به طور پراکنده و نامرتب. من آنها را در زمان حیات سید بزرگوار (ره) گرد آوردم و از اول تا آخر آنها را برای ایشان خواندم، آن مرحوم، تأیید و تحسین فرمودند و پس از آنکه نظری بدان انداختند، آنها را تا حدی مرتب کردند و به صورت مجالس درآوردند و مانیز آنها را بدون کم و کاست می آوریم.^۱

مترجم، با استفاده از این نسخه چایی، پنج مجلس را به چندین مجلس، تبدیل کرد و کتاب را در چهار بخش سامان داد:

بخش اول تحت عنوان کلیات، بخش دوم در دوازده فصل و دوازده مجلس، بخش سوم سیره پیامبر و یاد برخی خصایص مقدس او، و بخش چهارم در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در طی چند مجلس.

چنان که برای خواننده واضح است، مؤلف در هر منبری که می رفته در پایان سخن، از امام حسین و مصیبت او یاد می کرده و به اصطلاح روضه

۱ ر ک المجالس الناجیه، تحقیق محمود مدری، صص ۱۲۳ تا ۱۲۵ مؤسسه معارف

اسلامیه ۱۴۲۱ ق. ه. ق. قم. ایران

می خوانده است. بنابراین خواه ناخواه برخی مطالب تکرار شده و اشعار
رثایی گاهی مکرر و در مجالس متعدد خوانده شده است. در این باره باید
گفت که اولاً، ما اعمال سلیقه کردیم به این صورت که گاهی به اشعار
عربی اشاره کرده و گاهی دیگر به ترجمه آنها اکتفا نموده ایم و ثانیاً تمام
پاورقی های چاپ کربلا را آورده ایم لیکن چون پانوشتهای صفحه های
چاپ جدید، بسیار طولانی اند، فقط به ذکر منابع آن بسنده کرده ایم.

و توفیق از خداوند است و بس

سیدابراهیم سیدعلوی

۱۳۸۱/۴/۱۹

مقدمه مترجم

بر چاپ سوم

پیش از برگزاری کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه شرف‌الدین (قدس سره) نگارنده خیلی پیشتر روی علاقه و ارادت خاصی که به دو عالم و فقیه مجاهد سرزمین شامات یعنی: علامه سید محسن امین عاملی و همین سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی داشتم، بعضی از آثار قلمی آنان را به فارسی برگرداندم و به طبع رساندم و می‌پندارم چنان آثاری در ارتقای فرهنگ شیعه بسیار موثر بوده و آن دو بزرگوار همانند بسیاری از همسنگران بزرگوارشان در دفاع از کیان شیعه، جهادی درخور کرده‌اند.

علامه امین با تألیف کتاب گرانسنگ اعیان‌الشیعه، مثل مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی وجوه شیعه را و نیز صاحبان قلم و تألیف را به جهانیان شناسانده است. چنان‌که مرحوم امین با تصنیف کتاب کشف‌الاستیاب (وهابی‌ها) مسلک خشن و تفرقه‌انگیز بین مسلمانان را افشاء کرده و صفحاتی از تاریخ عالم اسلام را روشن فرموده است.

در حقیقت، این دانشمندان بزرگوار و جهادگر دوستداران و پیروان اهل بیت پیامبر ﷺ را از انزوا درآوردند. مرحوم شرف الدین با تألیفات ابتکاری خود چون المراجعات والنص والاجتهاد قدمی استوار و خصم شکن در دفاع از حریم مکتب شیعه برداشت و از جمله آثار سودمند او در این مقام کتاب فصول مهتمه اوست که نگارنده در مقاله تقدیمی به کنگره مزبور، منهج و روش کار شرف الدین را مورد دقت قرار داده و چنان نتیجه گرفته‌ام که روش ایشان کاملاً برگرفته از قرآن کریم و اسلوبی است به واقعیت و حقیقت نزدیک‌تر. ایشان هم‌آوا با قرآن، مسلمانان را به اتحاد و اتفاق و یکپارچگی فرا خوانده و در این راه به بیان ریشه‌ها و اصول و مبانی پرداخته است. یعنی الفت و همدلی که جان‌ها باید یکی شوند و آبشخور زلال قرآن و عترت، باید همه را سیراب کند و گرنه شقاق و نفاق همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

آری قرآن کریم به چنین اتحاد و اتفاقی دعوت می‌کند، آن‌جا که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی زیر پرچم صلح و سلامت وارد شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.

و نیز فرمود:

فَالْهَكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا^۲

خدای شما، خدای یگانه است برای او تسلیم باشید.

قرآن صلح و صفا و تسلیم و رضا در برابر حق را مطرح می‌کند و اگر به راستی، انسان حق‌جو باشد و هواها و اغراض فاسد در این میان حاکم نباشد همه می‌توانند با دلی واحد و انس و الفت انسانی و مهر و محبت خدایی زیر پرچم عزت آفرین توحید گرد آیند. چنان‌که قرآن فرمود:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى سَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ^۱

جملگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نگردید یاد آورید نعمت خدا را در حق شما، که میان دل‌هایتان الفت ایجاد کرد و پیشتر دشمنان هم بودید و در پرتگاه آتش قرار داشتید و در سایه نعمت الهی برادران هم شدید و بدان وسیله شما را رهایی بخشید.

خدای متعال خطاب به رسول اکرم ﷺ فرمود:

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^۲

و خدا دل‌های ایشان را گرد آورد و اگر تمام آنچه را در زمین است انفاق می‌کردی، نمی‌توانستی یکدلی ایجاد کنی؛ لیکن خدا قلب‌ها را مهربان کرد و الفت داد؛ او شکست‌ناپذیر و حکیم است.

مرحوم شرف‌الدین کتاب خود را فصل‌های مهم در ایجاد یکدلی امت

مسلمان نام نهاد و از همان روش قرآن بهره جست و به تحلیل آیه‌های قرآنی و نصوص معتبر روایی و تاریخ صحیح پرداخت و سیره سلف را با همان شیوه نقد کرد زیرا آن، تنها راه ممکن است و بس.

می‌توان پرسید: خدا چگونه دل‌ها را به هم نزدیک کرد و میان انسان‌های آرام و حق‌شناس مهر و صفا به وجود آورد؟ جز با فرهنگ سلیم قرآنی و اسلامی که در رفتار و گفتار و منش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متجلی بود. و امروز خدای بشر همان خداست و فرهنگ ناب اسلام و قرآن در همین کتاب الهی، وجود دارد. تنها خلأیی که هست تحقق عینی و عملی آن فرهنگ در نظام‌های جامعه مسلمان است و بس. پس تنها راه، بازگشت و رویکرد به آن است.

مرحوم شرف‌الدین آن منادی اتحاد و یکپارچگی امت مسلمان در عرصه سلطه و قیح استعمار که در همه جا و از جمله در شامات به اسلام‌زدایی پرداخته و برای تفرقه می‌کوشیدند، کتاب شریف *المجالس الفاخره* را نوشت زیرا آنان حتی موضوع عزاداری برای امام حسین علیه السلام را هم زیر سؤال برده و برخی ناآگاهان را اغوا می‌کردند چنان که با استخدام مزدورانی مثل شیخ نوح حنفی و همپالگی‌های او عقاید حقّه پیروان مکتب اهل بیت را مخدوش جلوه می‌دادند.

شرف‌الدین موسوی در این کتاب از ابعاد مختلف بحث کرده و فلسفه و فایده و درستی عزاداری را به اثبات رسانید و حتی در این راه از دیدگاه‌های برخی خاورشناسان دانشمند و منصف هم بهره جست.

ما به توفیق الهی به ترجمه و تدوین این کتاب از روی نسخه‌های مختلف عربی چاپ شده مختصر و مفصل پرداختیم که چند سال پیش

توسط شرکت چاپ و نشر بین‌الملل به طبع رسید و اکنون چاپ سوم آن با اصلاحات و تغییراتی جزئی تقدیم می‌شود.

در اینجا تذکر این نکته را لازم می‌دانم که بزرگداشت فرهیختگان علم و دین و فضیلت که کفرستیز و نفاق براندازند، برای آن است که نسل حاضر با این شخصیت‌ها آشنا شوند و آنان را در زندگی خود اسوه و الگو قرار دهند و چنین تلاش درخور، تبلیغ شایسته‌ای می‌طلبد و رسالت رسانه‌های عمومی را که عمدتاً از بیت‌المال اداره می‌شوند، حساس‌تر می‌کند.

به نظر ما، حوزه و دانشگاه تاکنون کنگره‌های باشکوهی برگزار کرده‌اند، مثل کنگره شیخ طوسی، ابن‌سینا، شیخ مفید، شیخ انصاری و مقدس اردبیلی و امثالهم - رحمه‌الله‌علیهم - و آثار علمی آنان را به سبک تحقیقی و زیبا چاپ و منتشر ساخته‌اند و جلسات کنگره‌ها را نسبتاً خوب اداره کرده و با مقالات وارده و صاحبان آنها برخوردی شایسته و درخور، صورت گرفته است، لیکن چاپ و نشر برخی آثار که پیش از برگزاری کنگره‌ها و پس از آن شروع شده بود، بعد از اختتام، دفتر کنگره‌ها، بسته شد و دنباله آثار، چاپ و نشر نشد و این جای بسی تأسف است که کتابخانه‌های عمومی و خصوصی از داشتن مجموعه کامل آنها محروم است.

نکته دیگر این است که برخلاف برخی کنگره‌های یادشده که در عین حسن اجراء و برنامه‌ریزی نسبتاً مرتب، با مقالات وارده هم علمی برخورد کرده و با صاحبان آنها در شأن مناسب ارتباط داشته‌اند اخیراً در برخی از این کنگره‌ها که استادان حوزه و فرهیختگان دانشگاه حضوری

کمرنگ و متصدیان، هم یک سر و ده‌ها سودا دارند که پس از فراخوان، مقاله‌ها به دفتر کنگره می‌رسد و به سبب نبودن نیروی صالح علمی و تقوایی، گویا با مقاله‌ها سودای مادی می‌شود و رابطه پیشی می‌گیرد و آن، پیش می‌آید که در شأن صاحب کنگره و عالمان و نظام اسلامی نیست. خدایا امور مسلمین را سامان ده! آمین.

سید ابراهیم سیدعلوی

تهران - ۱۳۸۴/۳/۱۵

مقدمه: به قلم نورالدین میلانی

خدایا! حمد و سپاس لایق توست و جز برای تو سزاوار نیست. تنها تو شایسته ثنایی. و فرمان، فرمان توست. فقط تو را می‌پرستیم و از تو یاری و مساعدت می‌طلبیم.

صلوات و سلام بر پیامبر رحمت که خود توبه‌روی درود و تهنیت گفته‌ای و نفرین بر آنان که مشمول لعن و نفرین تو هستند.

از شاهکارهای آفرینش و صنایع محکم خلقت خدا - جلّ و علّی - آن است که در وجود بشر غریزه‌های ارزشمندی را به ودیعه نهاده است که با فضیلت‌ترین آنها، ایمان به حقیقت و اذعان به واقعیت و تسلیم در برابر آن است. به طوری که گاهی انسان برای دستیابی به یک حقیقت، فداکاری‌ها می‌کند و با عظمت‌ترین چیزی را که در اختیار دارد در راه رسیدن به آن می‌دهد.

به راستی جای تعجب است که برخی از انسان‌ها نسبت به حقایقی

ناآگاهند و یا آنها را انکار می‌کنند و با وجود آنکه این حقایق بسیار آشکارند، برایشان پوشیده می‌ماند و شاید به همین سبب، قرآن مجید به تدبیر، تعقل و تفکر دستور داده و ترک آن را مورد ملامت قرار داده است.

از دیگر غرایز ارزنده که در وجود آدمی به ودیعت نهاده شده، حس کنجکاو اوست که از طریق آن دوست دارد از همه چیز مطلع شود و از وقایع تاریخی با خبر گردد. با این حال به مفاهیم اکتفا نمی‌کند، بلکه با دقت و تحلیل عقلانی، می‌خواهد جان کلام را دریابد به طوری که گویا در معرکه‌ها و میدان‌های پیکار، حضور داشته است و دلاوری‌های شجاعان را دیده و مظلومیت ستم‌دیدگان را با چشم می‌نگرد و همین احساس، سبب می‌شود که جستجوگران تاریخ، قربانگاه‌های شهیدان را بجویند و از فداکاری‌های انسانیت، مطلع شوند و در پرتو آن، مردمان با انصاف به حقانیت آنان اعتراف می‌کنند و توأم با بزرگداشت و تقدیس کوشش‌های آنان، به موالاتشان می‌پردازند. چراکه خدا مجاهدان را بر آنان که در گوشه‌ای نشسته‌اند، فضیلت بخشیده است.^۱

ما در عین حال که کلیت خیلی چیزها را قبول نداریم، ولی در مورد شهادت و ارجگذاری فداکاری، بدون استثناء اعتراف داریم، زیرا قاعدتاً همه مردم، شهید و یا هر مظلومی را به طور عموم محترم می‌شمیرند و نصرت و دلسوزی برای آنها را، اعم از آنکه متدین باشند و یا نه، از مبادی انسانیت می‌دانند، مگر معاندان که حسابی دیگر دارند. زیرا رفتار آنان از

چهارچوب انسانی خارج است وگرنه همه، جز آنانی که از جاده حق منحرف شده‌اند، مظلومان و شهیدان بشری را دوست می‌دارند و بر یتیمان ایشان دلسوزی می‌کنند.

خلاصه آن‌که زیباترین نوع احترام به شهیدان و مظلومان، نصرت و یاری آنان است و کمترین درجه احترام، آن است که برای ایشان تأسف خورد، غمگین شد و به سبب ظلمی که به آنان شده، دل شکسته شد، با خانواده و خویشاوندان و نزدیکان ایشان مهربان بود و با احساسات و عواطف گرم با ایشان برخورد نمود که در غیر اینصورت فرد از چهارپایان پست‌تر و گمراه‌تر خواهد بود.^۱

و ناشی از همین غریزه خدادادی است که مردم برای درگذشته‌های عزیزشان مجلس عزا برگزار می‌کنند و هرچه آن درگذشته، عزیزتر و باارزش‌تر باشد، دایره عزا وسیع‌تر و مصیبت فقدان او عظیم‌تر است و هر اندازه سوگ و مصیبت تلخ‌تر باشد، ایام عزا و سوگواری طولانی‌تر خواهد بود.

آری، این، روشی متداول در میان مردم است و غریزه و خوبی است که خدا در نهاد بشر نهاده است و جزئی از فطرت است و به فرموده قرآن:

وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا^۲

و شما برای سنت الهی عوض و بدلی نخواهید یافت.

براین اساس، ملتها در همه زمانها و در تمام شهرها، با وجود اختلاف در مبادی اعتقادی و با وجود تنفر بعضی از آنها از بعضی دیگر، در این

۱ اعراف / ۱۷۹؛ فرقان / ۴۴.

۲ احزاب / ۶۲؛ و نظیر آن فتح / ۲۳ و فاطر / ۴۳.

معنی اتفاق نظر دارند و همگی در دفاع از مظلوم، بویژه مظلومیت عترت پاک پیامبر ﷺ هم صدا بوده و موضعی واحد دارند و در عزاداری آنان عنایت نشان می دهند. نسل به نسل عکس العملها تندتر می شود و هرچه زمان پیش می رود، نفرت از ظلم و ظالم بیشتر شده و مردم در برگزاری مراسم سوگواری، ثابت قدم تر می شوند. در چنین مجالسی از صمیم قلب خدمت می کنند و سر و سینه چاک می کنند و حتی از شدت تأثر از مصیبت های وارده بر اهل بیت مخصوصاً بر شهیدان طف و کشته های کربلا در عاشورای سال ۶۱ هجری و رویدادهای پس از آن در کوفه و شام، نزدیک است دلها پاره شود. در حالی که برخی از آن عزادارها هیچ گونه پیوند دینی و عقیدتی با برگزارکنندگان مجالس سوگواری ندارند.

بنابراین جای هیچ تعجب نیست که برخی از مسلمانان غیر شیعه و حتی پیروان ادیان دیگر مانند هندوها و سیک ها در مصیبت و سوگ حسین علیه السلام سبط رسول صلی الله علیه و آله و دسته گل او اظهار همدردی و اندوه کرده و برای آن جمعی که خونهایشان را در راه امام حسین دادند و جانبازی کردند، احترام و خضوع می کنند.

نگارنده خود در بعضی سفرها از ارامنه تبریز ایران و دیگر پیروان مذاهب و ادیان در هند، پاکستان، سوریه و لبنان، هزاران جمع به هم فشرده دیده ام که در روز عاشورا و دیگر مناسبتها، به نام روز حسین و هفته بزرگداشت او، عزاداری می کنند و سخنرانان و شاعران، در یادآوری خاطره ها بر یکدیگر سبقت می گیرند، ولی چون در اینجا بنا بر اختصار دارم، تفصیل را به فرصتی دیگر وامی گذارم و شاید روزی خدا توفیق دهد که انواع فداکاریها و جنبشهای ادبی را که در این زمینه به وجود آمده گرد

آوردم و منتشر سازم.

به هر حال همه می دانند کتابهایی که به زبانهای شرقی و غربی دربارهٔ اسرار شهادت امام حسین، موجبات آن و فایدهٔ مجالس سوگواری، نوشته و منتشر شده بسیار زیاد است و همگی دلالت بر آن دارند که امام حسین در میان دلها جا دارد، همه او را دوست می دارند و در نظر آنان بس بزرگ و بزرگوار است. او یگانه مرد جهانی است که دین جدّ خویش را هر روز و بلکه هر آن، تازه می کند و تنها رهبر و پیشوای انسانیت است که بشریت را به سوی ارزشهای والای انسانی هدایت می کند.

کتابی که هم اکنون در دست شماست، کتابی است علمی و با آن که صفحاتش کم است از لحاظ فنی، بس زیبا است. پیشوای عصر، سرور شیعه و مرجع بزرگ امامیه، حامی مذهب اهل بیت و قلعهٔ دین اسلام، سید عبدالحسین شرف الدین عاملی - قدس الله ترتبه کتابی به نام المجالس الفاخرة... تألیف فرموده است و کتابخانهٔ عمومی سیدالشهدا در کربلای مقدس با چاپ آن شرف می یابد و بدان وسیله نیاز علمی اهل مطالعه و بحث و اندیشه را برمی آورد.

این کتاب، مقدمه گونه ای است بر کتابی که ظاهراً از میان رفته است، اما خود آن، کتابی است پر محتوا و خواننده با مطالعهٔ فصول آن، آرای علمی، فقهی و ادبی آن را در می یابد. متن عربی این کتاب در سال ۱۳۳۲ ه.ق. به طبع رسید که، در واقع پاسخی است به شخصی که از روی جهالت و بی اطلاعی از فلسفهٔ اسرار شهادت حسین (علیه السلام) و آثار عزاداری برای او، به علت دوری اش از آنچه گذشتگان اعم از محدثان و مورخان، دربارهٔ آن سخن گفته اند، منکر رجحان عزاداری شده و شیعه را به سبب

گریستن و سینه زنی در مصیبت بر دسته گل محمدی بدعت گذار قلمداد کرده است و ندانسته است که مطلب کاملاً برعکس است و شیعه در برگزاری این مراسم تنها نیست، بلکه این امور از امور ثابت دینی و مورد اعتراف همه مسلمانان است.

حقیقتاً سید بزرگوار شرف الدین به صورتی نیکو بر مشروعیت عزاداری از کتابهای شیعه و سنی دلیل آورده است. شاید منکران و معترضان، راه هدایت جویند و بر کوتاهیهای خود پشیمان شوند.

آری، سرزمینهای اسلامی و امت مسلمان از روزگاران کهن گرفتار تعدادی دجال و مزدور شده که پایه های دین را ویران و مسلمانان را پراکنده می سازند و در این کار جز خوش خدمتی به بیگانگان، که طمع در آب و خاک میهن اسلامی دارند، کار دیگری انجام نمی دهند. آنان شخصیت بزرگی همچون سرور ما شرف الدین و دوستان و همدیافان او (قدس الله اسرارهم) را با انواع غم و غصه مواجه ساختند و آنان را واداشتند همچون سرباز مرزبانی کنند و جلو عربده کشیهای مختلفی را که از بلاد تیره و تار غرب سرازیر می شود، بگیرند.

مردان دین چنین اند و شأن دانشمندان اسلامی همین است که در حدیث آمده که: دانشمند امت من از پیامبران بنی اسرائیل با فضیلت ترند. زیرا آنان فراخوان کلمه توحید و توحید کلمه اند و در رفع خصومت و جدایی می کوشند و همواره برای آزادی عقیده از قید و بند و سوسه ها و رهایی امت مسلمان از توطئه های تمدن نیم بند و سست پایه غرب، تلاش می کنند: تمدنی که هر آن همچون بت عیار به شکل دین، مذهب، حزب و جمعیت، حقوق بشر و ... بر طبق هوی و هوسهای اشخاص و منطقه های

ویژه در می آید و جلوه گر می شود.

از خدای تعالی می خواهیم که دنباله ستمگران را ببرد و با همت مردان مخلص، شر آنان را دفع فرماید و با نیروی مسلمانان دلیر و دارندگان احساس و شعور دینی و دور از تقلیدهای کورکورانه و پیروان حق هرکجا که باشند، شجره دشمنان اسلام را از بن برکند. ما شکایت را نزد او می بریم و چاره را از او می طلبیم و حول و قوه ای نیست جز با خدا.

کتاب مجالس فاخرة شرف الدین (ره) در واقع چهار مجلد ضخیم بوده است و متضمن سیره و حیات پیامبر ﷺ و عترت او تا مهدی قائم (عج) و نیز مشتمل بر بعضی خطبه ها، مواعظ، و اخلاقیات بوده است و چنان که خود سید (ره) به ما فرمود: کتابی بوده اجتماعی، سیاسی و عمرانی و از بهترین کتابهایی بوده است که در زمینه امامت و سیاست نگاشته شده است.

مرحوم شرف الدین بعد از ترتیب و تنظیم مقدمه (همین کتاب حاضر) آن را برای چاپ آماده کرده بود که آتش جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م. شعله ور شد. و به دنبال آن جنبش اسلامی بر ضد استعمار^۱ راه افتاد و همین رویدادها مانع چاپ کتاب شد و با اینکه مؤلف بزرگوار به چاپ و نشر آن علاقه فراوان داشت، متأسفانه خانه او و مؤلفانش که قریب ۳۰ جلد می شد، طعمه آتش استعمارگران و فرانسویان سلطه گر شد. خانه شرف الدین در شحور سوخت و پس از آن خانه بزرگترش طعمه آتش شد و دستهای ناپاک به چپاول و غارت آن پرداختند.

۱ انقلاب جبل عامل بر ضد استعمار فرانسوی در سال ۱۹۲۰ م شکل گرفته است.

دردناک‌ترین مصیبت برای سید (ره) در این رویداد نکبت‌بار، با اینکه او و خاندانش انواع شکنجه‌های روحی و صدمات طاقت‌فرسا دیده بودند، سوختن کتابخانه‌اش بود که دربردارنده نفیس‌ترین کتابها و ارزشمندترین ذخیره‌های فرهنگی و بویژه آثار خطی او بود که در واقع حاصل عمر شریف او به حساب می‌آمده است.^۱

سید نورالدین میلانی

۱. دزدان شمعون به شهر صور حمله بردند و در پناه متجاوزان آمریکایی عریضه کشیدند و دانشکده جعفری و خانه مؤسس آن را با آتش ویران کردند. این، سرمقاله و تیتر روزنامه «البیضة» چاپ بغداد است که در صفحه ۳ شماره ۱۶/۸/۱۹۵۸ چاپ شد. (شما در کلام معروف «الکفر ملة واحدة» بیندیشید. به قرآن و اهل آن تمسک جوید و فریب تمدن میان نهی‌ای را نخورید که با انواع زهرها به دست استعمارگران و برده‌کیشان، آلوده است. - م

شرح حال مؤلف، به قلم آل یاسین

او مشهورتر از آن است که یاد شود، آشکارتر از هر تعریف، و بزرگتر از هر معرف است. او در پرتو آثار و خدماتش با عظمت تمام، در سینه‌ها جا دارد. شرف‌الدین - رضوان خدا بر او - از قطبهای دایره علم و عمل در میان امت مسلمان بوده که در سختیها به او رجوع و در گره‌گشاییهای دشوار، به تدبیر او تکیه می‌شده است. او - قدس الله تربته - مفید زمان و مرتضای^۱ عصر خود و در طول حیاتش، همواره سودمند و مورد رضایت بوده است.^۲

اکنون به ترجمه و شرح حال او به قلم عالمی شایسته و برجسته، یعنی مرتضی آل یاسین می‌پردازیم که به مصداق «اهل خانه به آنچه در آن است آشنا تر است» شرحی جامع ارائه داده است و ما مختصر آن را که در آغاز

۱. منظور شیخ مفید و شیخ مرتضی انصاری و یا سیدمرتضی علم‌الهدی است. - م

۲. کلامی از آقای میلانی در ترجمه‌ای مختصر از آن بزرگوار.

برخی چاپهای المراجعات به طبع رسیده، ترجمه می‌کنیم.^۱

در هر کرانه از کرانه‌های اسلام، مردانی می‌درخشند که به نبوغ و داشتن موهبت ویژه ممتازند و همین امر آنان را در سطحی بسیار بالا قرار داده است و از این رو سیمای زیبایشان همانند ستارگان آسمان زیبا، نور می‌پراکند.

کسانی که نامشان در همه افقها و کرانه‌ها، درخشش دارد، بسیار اندک هستند. اینان بزرگانی هستند که در سطح بسیار بالاتری قرار دارند و در پرتو همین فوق‌العادگی و استعداد سرشار، از نوادر عالم اسلام به حساب می‌آیند و از جمله آن بزرگواران، سرور ما مؤلف همین کتاب - قدس سره - است.^۲

مشیت خدا بر این تعلق گرفته که علم و قلم او با برکت باشد و او برای مردم بهترین آثار را بیافریند و شاید من مبالغه نکرده باشم که اگر به قلم خود اجازه دهم سطرهای زیر را درباره او رقم زند.

سید بزرگوار عبدالحسین شرف‌الدین، مؤلف محترم در تألیف و تصنیف در مرتبه اول علمای شیعه قرار دارد که زندگانی نسبتاً طولانی خود را برای خدمت به دین و مذهب وقف کرده‌اند و به همین سبب شایسته آن شدند که در جهان اسلام، صدرنشین و در رأس نخبگان و خواص باشند.

۱. ناگفته نماند در مقدمه کتاب مؤلفان شیعه نیز شرح حال مختصری به قلم سید احمد حسینی آمده است که برای مراجعه مفید است. - م

۲. ناگفته نماند این شرح در زمان حیات مؤلف نگارش یافته است. و از این رو جمله‌های دعایی، متناسب با زمان حاضر نیست. به همین خاطر آنها را تغییر دادیم. - م

ابعاد زندگانی شرف‌الدین آن‌قدر زیاد و گسترده است که من خود را چنان نمی‌بینم که بتوانم حق آنها را ادا کنم. یعنی راه قلم من بسیار تنگ و باریک است و چنان میدانم، جولانگاه کسی چون من نیست.

شاید این کار برای من آسان بود اگر شرح حال شخصی غیر از ایشان را می‌نگاشتم و یا ترجمه و زندگینامه یکی از دانشمندانی را که ابعاد زندگی‌اش محدود است می‌نوشتم، اما نوشتن دربارهٔ مردی چون شرف‌الدین که زندگی‌اش ابعاد وسیعی دارد، برای نویسنده‌ای چون من، برآستی بسیار سخت است و مشکل بتوان بار سخن را به دوش کشید و از عهده کار به درآمد. زیرا انسان اگر در برابر شخصیتی نظیر شرف‌الدین قرار بگیرد، گویی خود را در برابر نسلی می‌بیند که نبض انواع حیات و زندگی در سراسر وجود او می‌زند و اقسام خیر و برکت از وجود او سرازیر می‌شود. پس برای نویسندهٔ ضعیفی چون من که هر نوع رنگ را به اصل باید برگرداند - آن هم با بحث عمیق و با مسئولیت سنگین علمی و منطقی - چنان کاری میسر نیست و چنین چیزی بر دوش مورخ امین سنگینی می‌کند.

دوران ولادت و رشد او

سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی، رضوان الله تعالی علیه، در سال ۱۲۹۰ ه.ق. در کاظمیه زاده شد. پدر و مادر او انسانهای بزرگواری بودند که رشتهٔ خویشاوندی نزدیک آنها را به هم پیوند می‌داد و نسبشان در یک ریشهٔ اصیل به هم می‌پیوست.

پدرش شریف یوسف، پسر مراد، پسر اسماعیل و مادر نیکوکارش،

زهره دختر سیدهادی، پسر سید احمد که نسب هر دو به شرف‌الدین می‌رسد که از نامداران خاندان است.

سید عبدالحسین در خانواده‌ای که زمینه زعامت علمی در آن فراهم بود، رشد کرد و پایه‌های شخصیتی او با تعلیم و تربیت بزرگانی ریخته شد که همگی در جهان اسلام مردانی پسندیده، صاحب فضیلت غیرقابل انکار و دارنده سابقه خدمات‌های شایسته‌ای بودند.

دوران جوانی را در چنین خاندان بلند مرتبه‌ای سپری کرد، از بوستانهای علم و اخلاق شهد خورد و در مراتب کمال و کرامت به انتها رسید. هنوز در عنقوان جوانی بود که اسباب خیر برای او سامان یافت و نمونه‌ای از فضیلت گردید و در همان گام نخست زندگی علمی، کفایت و لیاقت او متجلی شد و دانشجویان و شاگردان به او روی آوردند و آوازه او در انجمن‌های علمی سامرا و نجف اشرف پیچید و شهرت پیدا کرد.

از همان روزها ستاره اقبالش در محیط‌های علمی درخشید و هرچه دامنه تعلیم و تدریس او گسترش می‌یافت، بذریاشیهای او هم وسعت پیدا می‌کرد، تا اینکه در حوزه درس بزرگانی از قطب‌های فقه و دانش در نجف و سامرا حضور یافت و از حوض زلال درس طباطبایی، خراسانی، اصفهانی، شیخ محمد طه نجف، شیخ حسن کربلایی، سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر و دیگر اعلام دین و پیشوایان علم، فراوان نوشتید، از خرمن وجود آن استوانه‌های حوزه فقاقت خوشه‌ها چید و از بستانهای آن باغبانان ماهر بهره‌ها گرفت و استعدادش هر چه شکوفاتر گردید.

در جبل عامل

هنگامی که رشد علمی و مایه فضل سید عبدالحسین در محیطهای علمی و محافل درس و بحث بالا گرفت، در سی و دومین بهار عمر شریفش، باوقاری درخور، شخصیتی مشهور، غنای نفس، دستی پر، سیراب از دانش، سخنانی آبدار، زبانی فصیح و باز و اندیشه‌ای جوان، به جبل عامل در جنوب لبنان بازگشت.

روز ورود سید به جبل عامل، روزی ماندگار است. تمام فرزندان این مرز و بوم بیرون آمده بودند تا هلال نورانی او را در فضای دیارشان رؤیت کنند تا جایی که حتی کاروانی از دانشمندان و زعیمان و توده مردم تا حدود جبل در راه شام، مثل توره‌های شادی ایام عید و شادمانی به استقبال سید شتافته بودند.

سید شرف‌الدین در عامل، زندگی نوینی را آغاز کرد. او در امر دین، بسیار سرسخت بود، دارای اخلاقی نرم، اما در موضع حق نیرومند بود، طرفدار ضعفا بود، امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد با دینداران آرام و با دانشمندان فروتن بود.

بلاغت سید

او بیانی رسا داشت و منبرها و سخنرانیهای شیوا و نیکوی او، در تحقق بخشیدن به اهداف اصلاحگرانه او بزرگترین نقش را داشت و شگفت هم نیست، زیرا سید در امر منبر و خطابه به مقامی رسیده بود که خطبای عرب، بر وی غبطه می‌خوردند و سخنرانیهای او، مایه عزت دین و دانش و ادب بود.

در کنار این بلاغت و شیوایی سخن، که با عظمت بود، گزینش معانی و مفاهیم والا بود که سید، با درایت خاص، آنها را پس از مطالعه و بررسی و سنجش معقول کنار هم می‌چید، در آنها جان می‌دمید و با سیاقی که ویژه خود او بود، با سبک و هماهنگی درخور، مطرح می‌فرمود.

خدمات سید

دربارهٔ مبارزات ضد استعماری سید شرف‌الدین هرچه بگوییم کم گفته‌ایم و این مختصر را مجال آن مفصل نیست. با این حال در حد توان خود در یک کلمه می‌گوییم: خدمات بزرگ او در زمان عثمانیها، سپس در عهد اشغال فرانسویان و بعد در روزگار استقلال، ادامهٔ همان حرکت‌های آزادی‌بخش او بود. او می‌خواست در سطحی بالا، عدالت را تحقق دهد، پایه‌های امنیت را استحکام بخشد و زندگی را برای مردم با نشاط گرداند. از سویی همهٔ سلطه‌جویان در زمان او با وی درگیر بودند و با برنامه و کارهای او مخالفت می‌ورزیدند. زیرا او با سلطهٔ افراد ستمگر، که مصالح مردم را از بین می‌بردند و به ایشان ظلم می‌کردند و حقایق را پنهان می‌نمودند، مخالف بود و شاید غم و اندوهی را که این پیشوای جلیل‌القدر در راه سعادت ملت خود متحمل شد، جز تعداد اندکی از زعمای اسلامی و پیشوایان مردمی تحمل نکرده‌اند. آنان بسیار آزرده شدند و رنج کشیدند.

کافی است رفتار اشغالگران فرانسوی را با وی در نظر بگیرید، که غافلگیرانه و ناگهانی عرصه را بر او تنگ کردند و برخی اراذل و اوباش بسیار خشن و بی‌ادب را واداشتند که سید را هدف بگیرند. این حلاج وارد خانهٔ او شد و در حالی که سید در کنار اعضای خانواده‌اش مشغول استراحت بود و تمام یاران و محافظان خود را مرخص کرده بود، به خانهٔ او یورش آوردند، اما خدای تعالی برای سید چیزی غیر از خواستهٔ آن اشرار را می‌خواست. خدا دست آنها را از سید کوتاه کرد و آنها با خفت و خواری گریختند و آن متجاوزان با تحمل شکست و رسوایی از آن خانه،

دور شدند.

خبر این حمله ناگهانی و یورش غافلگیرانه، تازه در شهر پخش شده بود که سیل جمعیت به سوی صور سرازیر شد و جماعتی بسیار از نواحی و اطراف راه افتادند تا در تصمیم‌گیریهای سید، در کنار پیشوایشان باشند اما او بزرگواری از همه تشکر کرد و آن بی‌ادبی و جسارت را بخشید. لیکن به دنبال آن حادثه، رویدادهای دیگری رخ داد، آن‌هم در سطحی وسیع‌تر و تفرقه‌ای گسترده‌تر تاجایی که کار به آنجا کشید که سید با خانواده‌اش و دیگر زعماء و رؤسای جبل عامل مجبور شدند ترک دیار کنند و به سوی دمشق رهسپار شوند و به رغم آنکه فرانسویها خواستند راه را بر سید ببندند و نیروهای مسلح را در تعقیب او فرستادند تا دستگیرش کنند و مانع ورود او به دمشق شوند، نتوانستند.

چون نومید شدند در بازگشت، خانه او را در شحور هدف گرفتند و آنجا را به آتش کشیدند و همه چیز را دستخوش حریق ساختند. سپس به خانه بزرگ او در صور یورش بردند و پس از آنکه مجال را برای غارت و چپاول خانه به دست اراذل و اوباش فراهم نموده بودند، آنجا را اشغال کردند. آنها در این خانه هیچ چیز را رها نکردند و همه چیز اعم از گرانها و یا عادی را بردند و درد آورتر و نکبت‌بارتر آنکه کتابخانه سید بزرگوار را با نفایسی که در آن بود، اعم از کتب و دیگر اشیای مورد علاقه را به آتش کشیدند و از جمله ۱۹ جلد از تألیفات خود او را که هنوز خطی بودند سوزاندند.

در مصر

در اوج حوادث غم‌بار و اسف‌انگیز که منطقه را فرا گرفته بود، سید به مصر رفت و با اینکه او ناشناخته و با عقال و چفیه عربی و به لباس عرب‌های صحرانشین وارد مصر شد، مصریان او را شناختند و قدومش را گرامی داشتند و در آنجا موقعیتهایی پیش آمد که نظر استادان علم و نخبگان سیاست به سوی او معطوف شد و متناسب با شخصیت وی با او برخورد کردند. البته این نخستین سفر او به مصر نبود؛ هشت سال پیش هم در اواخر ۱۳۲۹ ه.ق. از این کشور دیدن کرده بود و به سال ۱۳۳۰ ه.ق. در سفری علمی وارد مصر شد و با دانشمندان مصری و اهل بحث گردآمدند و با شیخ سلیم بشری - شیخ جامع ازهر - دیدارهای پی‌درپی داشته و دربارهٔ مسایل اصیل کلامی و اصولی میانشان گفت‌وگوهایی رد و بدل شده که نتیجهٔ آنها، همان کتاب نفیس المراجعات است.

زندگانی علمی

در نگاه اول به نظر می‌آید که انبوه مشکلات موجود در پیرامون آن مرد، او را از پرداختن به مسائل و کارهای علمی بازداشته باشد و واقعیت آن است که شخصی مانند سرور ما، با آن همه مشکلات و گرفتاریهای اجتماعی، قاعدتاً نتواند به آنچه برای آن آفریده شده (یعنی کارهای علمی، تألیف و تصنیف) بپردازد. زیرا آن‌گونه مشکلات که زندگی را احاطه می‌کنند، آنچنان انسان را در تنگنا قرار می‌دهند که مجال هر نوع کار علمی، پژوهشی را از او سلب می‌کنند، اما زندگی سید سراسر استثناست و برکت لحظه‌های عمر او، روح بزرگ، ذهن توانا و هوش سرشارش میدان

تألیف و تحقیق را برای او فراهم می‌کرد.

او در عین حال که در میان آن همه مشکلات سیاسی و اجتماعی غوطه‌ور بود، حق دانش را هم ادا می‌کرد و به اندازه‌ای که نیاز علمی خود را رفع کند، سری به کتابخانه‌اش می‌زد و به پژوهش و تحقیق می‌پرداخت و اصولاً از همان روزی که نجف اشرف را ترک گفت، هرگز ارتباط خود را با مطالعه و تألیف و بحث و مناظره قطع نکرد و در هر روز در فرصت‌هایی به کتابخانه می‌رفت و دربارهٔ موضوعاتی می‌اندیشید و از مادیات که زندگی را تباه می‌کنند و انسان را در جهل و ناآگاهی نگاه می‌دارند، فاصله می‌گرفت.

آثار و تألیفات موجود

۱. المراجعات

این کتاب نمونهٔ صادقی از آثار و توان نویسندگی اوست و من دربارهٔ آن نمی‌خواهم سخن بگویم؛ چرا که زبان خود آن کتاب از بیان من خیلی رساتر و بازتر است. این کتاب در سال ۱۳۵۵ ه.ق. در صیدا، چاپخانهٔ عرفان چاپ شده و نسخه‌های آن در اندک زمانی تمام شد. المراجعات به زبان فارسی ترجمه شده و تا جایی که من اطلاع دارم دکتر زید هنری آن را به انگلیسی ترجمه کرده است.

۲. الفضول المهمة فی تألیف الأئمة

این کتاب یکی از باجلالت‌ترین کتابهای اسلامی است و از مسائل اختلافی میان شیعه و سنی در پرتو (کلام) عقل و تحلیل معقول بحث کرده است. تألیف این کتاب در سال ۱۳۲۷ ه.ق. پایان یافته و دو بار در صیدا، چاپ

شده است و در چاپ دوم به سال ۱۳۴۷ ه.ق. مطالبی بر آن افزوده است. فصول مهم این کتاب در موضوع خود، شما را از هر کتابخانه‌ای بی‌نیاز می‌سازد. این کتاب در ۱۹۲ صفحه در قطع وزیری منتشر شده است.^۱

۳. اجوبه مسائل جارالله

کتابی است با حجم کوچک اما عظیم و دربردارنده مطالبی گسترده و چنان‌که از نام آن پیداست، پاسخهایی به بیست مسئله است که یک عالم سنی به نام جارالله آنها را از علمای شیعه پرسیده و پنداشته است که آنان را در بن‌بست قرار داده است، مثل تکفیر و لعن برخی صحابه توسط شیعه، اعتقاد به تحریف قرآن، نسبت تحریم جهاد به شیعه، مسئله متعه، برائت، عدل و جز آنها.

پاسخهای سید بسیار محکم است. او در جوابها از علمیت و گستردگی اطلاعات برخوردار است و براساس منطق و برهان، جلو آمده است و بحث را طوری دنبال می‌کند که هر شخص متصف را به پذیرش وادار می‌دارد و هرگونه شک و تردید را از دل می‌زداید.

سید در مقدمه این کتابچه، مردم را به وحدت و یکپارچگی فراخوانده و در پایان آن، ناآگاهیهای پرسشگر را نسبت به کتابهای شیعه یاد آورده است و بعضی از خرافه‌ها و خلطهایی را که در کتابهای حدیثی اهل سنت آمده، خاطر نشان ساخته است. این کتاب به قطع جیبی در ۱۵۲ صفحه در

۱. پس از آن، بارها به شکل افست در بیروت و ایران، چاپ شده و اخیراً با تحقیق و مراجعه به منابع آن تجدید چاپ شده و در سال ۱۳۸۰ ه.ش. تحت عنوان مباحثی پیرامون وحدت اسلامی به قلم و نگارش مترجم این اثر، ترجمه و منتشر شده است. - م

چاپخانه عرفان، صیدا به سال ۱۳۵۵ ه.ق. چاپ شده است.^۱

۴. الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء

این کتاب در ۴۰ صفحه به قطع وزیری همراه با چاپ دوم کتاب الفصول المهمة، به طبع رسیده است. این کتاب از جهت روشمندی، تحلیل و نتیجه گیری از ژرف ترین و صحیح ترین درسهاست و بهترین دلیل است بر اینکه دانش، از قلم نویسنده آن همچون چشمه ای می جوشیده است.

۵. المجالس الفاخرة فی ماتم العترة الطاهرة

مؤلف در آن به بیان فلسفه عزاداری و اسرار شهادت شهیدان طف پرداخته است و به طور دقیق و دلنشین، توضیح داده است.^۲

۶. ابوهریره

این کتاب در سال ۱۳۶۵ ه.ق. در چاپخانه عرفان صیدا چاپ شده است. کتاب ابوهریره در تراجم نگاری، سبکی تازه و طرحی نو درانداخته و دارای تحلیلهای فراگیر ادبی است و شاید در موضوع خود کم نظیر باشد و از عمق و تحقیق برخوردار است. مؤلف این کتاب، زندگانی ابوهریره، عصر او، وابستگیها و فضای زندگی و احادیث او را بررسی فرموده و عنایت صحاح ششگانه نسبت به روایات او را در پرتو دانش و خرد، به بحث و بررسی کشانده است.

۷. بغیة الراغبین

۱. چاپ دیگر این کتاب در ۱۷۶ صفحه به قطع جیبی، چاپ سال ۱۳۷۳ ه.ق. / ۱۹۵۳ م در

کتابخانه مترجم موجود می باشد. - م

۲. متأسفانه ظاهراً این کتاب از بین رفته است و تنها مقدمه آنکه همین کتاب حاضر است

باقی مانده و به چاپ رسیده است. - م

کتابی خطی و مخصوص خانواده اوست. در این کتاب شجره شرف الدین و کسانی که با او قرابت نزدیک دارند، بررسی شده است. این کتاب، پر حجم، با جلالت و در ادب تراجم نگاری دارای طریقه ای خاص و نسقی محکم است و گاهی هم علاوه بر اعضای مشجره، شرح احوال برخی استادان یا شاگردان آنان را آورده و زمان و اوضاع عصرشان را نیز توضیح داده است و بدین ترتیب هر که به این کتاب بنگرد، آن را کتابی ادبی و سودمند و شیوا می بیند و حتی می توان آن را، به نوعی تاریخ نگاری نسلی دانست که به بررسی احوال مردان آن نیز پرداخته است.

۸. فلسفة الميثاق والولاية

رساله ای سودمند و در موضوع خود بی نظیر است و در سال ۱۳۶۰ ه. ق. در صیدا چاپ شده است.

۹. ثبت الاثبات فی سلسلة الرواة

مؤلف در این کتاب استادان خود را از اهل مذاهب اسلامی در زمینه اجازه نقل حدیث از پیامبر ﷺ و امامان اهل بیت و اجازه از تألیفات و مؤلفین آنها از طرق متعدد قرائت، سماع و اجازه کتبی آورده است. این کتاب هم از نامداران شیعه امامی و زیدی و از نام آوران اهل سنت و در این باره به تفصیل پرداخته است. این کتاب دوبار در صیدا چاپ شده است.

۱۰. مسائل فقهیه

چاپ دوم این کتاب که در سال ۱۳۷۹ ه. ق. در بیروت، لبنان چاپ شده در اختیار بنده است. شاید این کتاب همان مسائل خلاقیه باشد که مرحوم

آل یاسین به آن اشاره کرده‌اند.^۱

آثار و تألیفات گمشده

مرحوم سید شرف‌الدین، جز آنچه نوشتیم، آثار بدیع و جاویدان دیگری نیز داشته است که اگر تجاوز سال ۱۹۲۰ م آنها را دچار حریق نمی‌کرد و از بین نمی‌برد از ذخایر و گنجینه‌های معدود در زمینه خرد و اندیشه بود. متأسفانه همه آنها در آن رویداد جانکاه، مفقود شد و باگم شدن آنها عالم دانش خسارت دید و شاید عمر سید اجازه دهد آنها را از نو زنده کند و بازنویسی فرماید.^۲

در زیر صرفاً به نام آن آثار چنان‌که مؤلف در پایان کتاب *الکلمة القراء*، در پاورقی از آنها یاد کرده، اشاره می‌کنیم:

۱. شرح تبصره در فقه استدلالی، سه جلد از آن کامل بوده و مشتمل بر کتاب طهارت، قضا و شهادات و موارد و موارد می‌باشد.
۲. تعلیقه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری در اصول (یک جلد).
۳. رساله‌ای استدلالی در منجزات مریض.
۴. نسبیل المؤمنین در امامت (سه جلد).^۳
۵. النصوص الجلیة فی الامامة، شامل چند نقل حدیثی که بر صحت و درستی آنها، همه مسلمانان، اتفاق نظر دارند و چهل نص حدیثی از طریق

۱. مترجم.

۲. این شرح حال در زمان حیات شرف‌الدین نوشته شده و نویسنده چنین آرزویی کرده است ولی ظاهراً چنان آرزویی عملی نشد. - م

۳. مؤلف محترم (ره) در کتابهای *الفصول المهمة* و *المجالس الفاخرة*، بارها به این کتاب ارجاع می‌دهد و معلوم می‌شود آن کتاب، کامل و آماده چاپ بوده است. - م

شیعه با تحلیلهای علمی و فلسفی.

۶. تنزیل الآیات الباهرة فی الامامة، در یک جلد مبتنی بر ۱۰۰ آیه قرآنی که به حکم صحاح در حق امامان نازل شده است.

۷. تحفة المحدثین، در احادیث منقول از ضعفا در صحاح ششگانه. این اثر کتابی است در موضوع حدیث، ابتکاری و پیشتر، مانند آن نوشته نشده است.

۸. تحفة الاصحاب فی حکم اهل الکتاب.

۹. الذریعة، در رد کتاب بدیعه نیهانی.

۱۰. المجالس الفاخرة فی مآتم العترة الطاهرة، (چهار جلد) جلد یکم: در سیره پیامبر ﷺ؛ جلد دوم: در سیره امیر مؤمنان، فاطمه زهرا و امام حسن ﷺ؛ جلد سوم: در سیره حسین ﷺ و جلد چهارم: در شرح احوال نه امام دیگر علیهم السلام از اولاد امام حسین ﷺ.

۱۱. مؤلفوالشیعة فی صدرالاسلام، برخی فصول این کتاب در مجله عربی العرفان در صیدا چاپ شده است.^۱

۱۲. بغية الفائز فی نقل الجنائز، بیشتر مطالب آن در العرفان چاپ شده است.

۱۳. بغية السائل عن لثم الايدي والأنامل، رساله ای علمی، ادبی و فکاهی که در آن هشتاد حدیث آمده است.

۱۴. زکات الاخلاق، برخی فصول آن در العرفان چاپ شده است.

۱. شاید همین فصول چاپ شده در مجله «العرفان» است که به صورت کتاب مستقل و به همان عنوان در عراق با مقدمه جناب آقای سید احمد حسینی در «مکتبه اندلس» بغداد در یکصدوشش صفحه چاپ شده است. ر.ک: العرفان، مجلدات ۱ و ۲. م

۱۵. الفوائد و الفرائد، کتابی است جامع و سودمند.

۱۶. تعلیقه بر صحیح بخاری.

۱۷. تعلیقه بر صحیح مسلم.

۱۸. الاسالیب البدیعه فی رجحان ماتم الشیعه. این کتاب مبتنی بر ادله عقلی و نقلی است و در نوع خود کتابی ابتکاری و نو می باشد.

شرف الدین در موضوعات مختلف دیگر نیز نوشته هایی دارد که برخی از آنها کلاً مفقود شده و از میان رفته است و برخی دیگر دوباره نویسی شده و در دست تکمیل است.^۱

با این حال در مجموع، تألیفات سید عبدالحسین شرف الدین با ویژگی هایی بی نظیر، دقت، گستردگی کنکاش، پی گیری فراگیر، درستی تحلیل و نتیجه گیری، شفافیت فوق العاده، امانت در نقل و هماهنگی و شدت ارتباط موضوعی، ممتازند و کمتر می توان به آنها ایراد گرفت.

اخلاق و موهبت های سید

او مردی وزین، بااستقامت و صبور، با وقار، سنگین، دارای سعه صدر، خوی نرم، قلبی نیرومند و با شکوه، با هیبت، جذّاب و دلنشین بود که هر بیننده را، هر چند که او را نمی شناخت، به احترام وامی داشت. او مردی بود سخت تشنه حق و جانبدار آن در امر دین، شجاع و آتشین بود و هرگز در این باره اهل سازش و نرمش نبود و در برخورد با باطل و ستم، جدی بود با اینکه بسیار متواضع و بزرگواری بود.

۱ این وعده ای است که بویسنده محترم، به لحاظ ارتباط و آشنایی نزدیک که با مؤلف بزرگواری (رض) داشته داده است و این وعده نیز با تحقق نیافته و با ما ندیده و نمی دانیم. - م

شرف‌الدین موسوی، در پارسایی، صفای نفس، پاکی درون و حق‌گویی، نمونه و الگو بود و در کنار همه این فضیلتها، مردی اندیشمند و با خرد، دورنگر، روانکار و موشکاف بود که به حقیقت و ژرفای امور می‌رسید و هرگز فریب نمی‌خورد و کم‌خیر نبود، هرگز خیانت نمی‌ورزید، در راه حق و صحیح، سست نمی‌شد و گرفتار ریا و بی‌خبری نبود. که شاید همین خوی‌ها و خصلتها، در شفافیت وجود او، نیروی تأثیر و کفایت صادقانه‌اش مؤثر بوده‌اند. نقل است که او وقتی سخن می‌گفت، شیواترین نطق عربی را داشت، با نفسی گرم و کلماتی آبدار سخن می‌گفت و به هنگام وعظ و اندرز، در مردم نفوذ می‌کرد. در داوری، داورترین و در قضاوت، عادل‌ترین بود. بیانی روشن داشت و مفهوم حیات و زندگی را خوب می‌فهمید.

سفرهای او

چنان‌که نوشتیم او در سال ۱۳۲۹ تا ۱۹۳۳ ه.ق. از مصر زیارتی علمی به عمل آورد و در آنجا با دانشمندان منحصر به فرد و در رأس همه، شیخ سلیم بشری مالکی، شیخ جامع ازهر گرد آمد و نتیجه دیدار او با شیخ ازهر و نامه‌نگاریهایش با وی، همان کتاب *سودمند المراجعات* است.

در حوالی سال ۱۳۲۸ ه.ق. مدینه منوره را زیارت کرد و به آستان مقدس پیامبر ﷺ و ضریحهای امامان باقیع مشرف شد. در سال ۱۳۳۸ ه.ق. به دمشق، مصر و فلسطین رفت که درباره برخی از آن سفرها، سخن گفتیم و در همه این کشورها و شهرها، کنفرانسهای ارزشمند او

فواید علمی بسیار داشته است.

شرف‌الدین عاملی، نخست عالم شیعی بوده که برای انبوه جمعیت به هم فشرده مسجدالحرام در مکه مشرفه، پیشنمازی کرد و آن، اولین نماز جماعتی بود که در پشت یک امام جماعت شیعی به آن صورت علنی و بدون تقیه با اجتماع هزاران تن، برگزار می‌شد و به همین سبب، حج شرف‌الدین، شهرت یافت و مردم در گوشه و کنار جهان اسلام در آن باره سخن گفتند و ملک حسین بن علی به بهترین شکل با او برخورد کرد و چندین بار با او همنشین شد و با هم کعبه را شست و شو دادند. در اواخر سال ۱۳۵۵ ه.ق. برای زیارت عتبات مقدسه ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) در عراق، عازم آن دیار شد و با مردم و خویشاوندان نزدیکش، دیداری تازه کرد. در روز ورود او به بغداد، همه وزیران، رؤسا و اعیان و در رأس آنان سید محمد صدر به استقبال آمدند و از بغداد تا پل فلوجه با اتومبیل‌های مرتب و منظم به پیشواز آمدند. در کربلا و نجف اشرف هم، علما و توده ملت از او استقبالی زیبا، باشکوه و با عظمت و کم‌نظیر به عمل آوردند.

نقل است هنگامی که او از جاهایی که دوران نوجوانی و جوانی خویش را در آن سپری کرده بود، می‌گذشت به این شعر ترنم می‌کرد که وقتی (باد) را دیدم برایش از جا پریدم و او نیز وقتی مرا دید، تکبیر گفت. البته طبیعی است که او از شوق دیدار زادگاهش و جاهای پرخطر آن، از جا بپرد، و آنجا نیز برای خوشامدگویی تکبیر بگوید و از ورود او شادمان باشد. چرا که سالهای فراق و جدایی، طولانی بوده است. مگر نه این است که او سرمایه علمی‌اش را از همین جاها اندوخته و سیراب از زلال دانش بیرون رفته و تشنگان معارف را سیراب کرده است؟

آری او و زادگاهش مهر و محبت مبادله کردند و سوز و گداز مفارقت ابراز داشته و نوای دلنشین وصال سردادند و به انگیزه همین داد و ستد روحانی و معنوی، محافل جشن و سرور در نجف، کربلا، کاظمیه و سامرا، برقرار شد و در آن مجالس جشن درخشان، انواع وفاداری به نمایش درآمد آن هم پس از سالها دوری از دیدنیها و نشانه‌های وطن.

دیدار شرف‌الدین با نامداران علم و دانش و مردان بحث و تحقیق، در شاخه‌های مختلف دانش و مسایل فنی متفاوت مملو از فواید و منافع بود. او به دنبال سفر عراق به ایران رفت و به زیارت امام رضا علیه السلام شرفیاب شد و در سر راه به قم، تهران و برخی دیگر از شهرهای ایران سر زد و در این آبادیها با مراسمی گرم، آن گونه که شخصیت دوست‌داشتنی او ایجاب می‌کرد، روبه‌رو گردید.

تأسیسات و آثار

۱. کارهای خیریه‌اش را با احداث و وقف حسینیه‌ای آغاز کرد. زمانی که برای شیعه مسجدی وجود نداشت، او این حسینیه را تأسیس کرد که مردم در اوقات مختلف و انگیزه‌های متفاوت در آنجا جمع شوند و شعائر را در آنجا بزرگ بدارند، نماز بگذارند و از درسهای وعظ و ارشاد بهره‌مند گردند.

۲. در وهله اول، در مدخل شهر شش عدد مخزن احداث کرد و بر روی آنها خانه‌ای بزرگ ساخت، با این فکر که روزی آنجا مدرسه شود که در آن روز چنان کاری ممکن نبود زیرا رژیم حاکم و جیره‌خواران او که همیشه به دنبال منافع شخصی خویش هستند، با چنان کاری مخالفت

می کردند. لذا او ناگزیر چنان کرد و مترصد فرصت مناسب بود.

۳. شرف الدین، دفتر انجمنی به نام انجمن امام جعفر صادق علیه السلام به طول ۲۲/۵ متر و عرض ۱۵/۵ متر، تأسیس کرد. او آنجا را برای برگزاری مجالس علمی، دینی، اجتماعی و آموزشی آماده ساخت و پس از همه آنها در سال ۱۳۶۱ ه.ق. مدرسه‌ای دخترانه تأسیس نمود. هدف او آن بود که دختران همانند پسران، درست تربیت شوند و آموزشهای لازم را با تازه‌ترین روشها ببینند و برای ورود به زندگی بهتر و عالی‌تر آماده گردند. مکان مدرسه و انجمن، در بهترین نقطه شهر قرار گرفته و زیباترین و دل‌انگیزترین جا را اشغال کرده است، دارای چشم‌اندازی وسیع و چشم‌نواز است و در ارتفاعات آن، فضاهای سبز و زیبا، دیده می‌شود: از سویی تا چشم کار می‌کند کبودی آب است و وقتی دیده از تماشای دریای آبی سیر می‌شود در سمت دیگر دشتها و پشت آنها کوههای به هم چسبیده و در میان آنها دره‌های سرسبز و روستاهای آباد، چشم‌اندازی عجیب و دل‌انگیز به وجود آورده است. اینجا و آنجا آن همه جمال سحرانگیز و پر نشاط و رؤیایی که دلبری می‌کند و چشم بی آنکه خسته شود در آنها نظاره می‌کند، سراسر لذت و فرح و تنفس سالم است.

شما اگر به این مجموعه بناهای با شکوه و به هم پیوسته بنگرید، انگار به کاخی عظیم با پایه‌های استوار نگریسته‌اید که شکل زیبای هندسی و عظمت بنا، بیننده را به اعجاب وامی‌دارد و اعجاب‌انگیز و زیباتر از شکل ظاهری آنها، محصول پربار آنهاست که علاوه بر کثرت کمی، جودت و نیکویی کیفی آن نیز جالب توجه است. با این همه شکوه و زیبایی، آنها نسبت به نظر بلند و فکر دورنگر سرور ما شرف الدین هنوز هسته آن

چیزی است که او در دل دارد و در دماغ خود می‌پروراند.

مید در جنوب همان بنا، زمین گسترده‌ای دارد و آن را به همان مؤسسه ملحق کرده تا در کنار آن، مؤسسات خیریه دیگری بنیان نهد و مقاصد اسلامی خود را دنبال کند و سرانجام دانشگاهی تأسیس کند که دانشجویان مسلمان در آنجا بهترین آموزشها را ببینند و گسترده‌ترین معارف را بیاموزند. در نظر شرف‌الدین برای پیشگیری از خطری که جامعه مسلمان را تهدید می‌کند، بهترین راه، این است. زیرا تخریب فرهنگی استعماری را درمان می‌کند و نسل نو را از آن‌گونه گزندهای معنوی و فرهنگی در امان نگاه می‌دارد همان خطر هجوم فرهنگی که نسل بعدی ما را از صفوف ما جدا می‌کند و به صفوف دیگران می‌برد. خدا در آنچه صلاح دین و دنیای ما در آن است، دست ما را بگیرد و اسلام و مسلمین را از این کارها بهره رساند.

والحمد لله رب العالمین

کاظمیه، ۱۳۶۵ ه. ق. / ۱۹۴۶ م

مرتضی آل یاسین

مقدمه مؤلف

خدای تعالی را در برابر محنت‌های نیکویی که پیش می‌آید و در ازای عزا و مصیبتی که رخ می‌دهد، سپاس و ستایش می‌گویم. سلام و تحیت بر پیشوای پیامبران خدا و امامان مظلوم از اوصیای او و باران رحمت و برکت بر ارواح طیبه آنان باد!

باری کتاب *المجالس الفاخرة...* را به نیت خدمت به اهل بیت در دنیا و به قصد توسل به ذیل دامنشان در آخرت، نگاشته‌ام و از خدای سبحان مسئلت دارم آنرا عملی خالص برای خود تلقی فرماید که او رؤوف و مهربان است.

اقتضای اصل اولی^۱، جواز گریه بر هر مرده‌ای است و حتی ذکر اشعار و یاد مناقب و مصائب وارد بر او و نیز تشکیل مجلس عزا و اظهار غم و

۱. فقها فرموده‌اند: اصل در اشیاء اباحه است. این اصل مورد قبول همه دانشمندان و محققان و علمای ما است و دلیل آن این است که خدا فرمود: «و ما کنّا معذبین حتی نبعث رسولا» یعنی ما تا رسول نفرستاده باشیم، کیفر نمی‌کنیم و هرگاه شارع مقدس در مورد امر و نهی فرمانی صادر نفرمود، کیفر در آن مورد قبیح است.

اندوه در فقدان هر عزیزی جایز است. همچنان که از طرف مردگان و به نیت آنان، می توان انفاق و احسان و هر کار نیکی را انجام داد. زیرا دلیلی بر حرمت و عدم جواز وجود ندارد، بلکه سیره و روش قطعی و دلایل لفظی، بر جواز چنان کارهایی دلالت دارند و شاید از برخی ادله، استحباب آنها استفاده شود؛ مثلاً اگر شخص مرده، با فضیلت و دارای آثار سودمندی بوده باشد که لازمه استوار کردن پایه های تمدن و تحقق عمران و آبادی است. یعنی اینکه ممتاز کردن مصلحان از دیگران سبب تشویق و ترغیب مردم می شود و ادای حقوق اشخاص بزرگ و بزرگوار به تعداد پویندگان راه ایشان می افزاید. و بدون تردید گزارش مکرر کارهای آنان، نسل های بعدی را در مسیری که آنان رفته اند، قرار می دهد.^۱ ما در این کتاب بحث را طی چند فصل پی می گیریم.

۱. شرف الدین چه شیوا سخنی گفته است! تو حقیقت غیر قابل انکار را گفتی و سخن حق و راستی را بر زبان و قلم آوردی؛ زیرا همه امنها بر همین روش زندگی می کنند و ما در سفرهای هند، پاکستان، سوریه و لبنان می دیدیم که مردم به نام بزرگان شان جشن برپا می کردند و به یاد آنان احساس غرور و عزت می نمودند و در این یادواره ها از هیچ کوششی دریغ نمی ورزیدند و از صرف اموال زیاد کوتاهی نمی کردند. همه اینها به سبب همان هدفی است که مرحوم سید اشاره کردند. میلانی